

روز بیستم ماه صفر، روز اربعین و به قول شیخین - شیخ مفید و شیخ طوسی- بازگشت اهل حرم امام حسین علیه السلام از شام به مدینه، و روز ورود اولین زائر آن حضرت جابر بن عبدالله انصاری به کربلا، جهت زیارت امام حسین علیه السلام است. زیارت آن حضرت در این روز مستحب است. که به فرموده امام حسن عسکری علیه السلام از نشانه های مؤمن است.

قال العسکری علیه السلام: "علامات المؤمنین خمس: صلاة الاحدي والخمسين وزيارة الاربعین والتختم فی الیمین و تعفیر الجبین و الجهر بسم الله الرحمن الرحیم." (۱)  
از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که فرمودند:

علامات مؤمن پنج چیز است:

- ۱- اقامه پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شبانه روز.
- ۲- زیارت اربعین.
- ۳- انگشتر به دست راست کردن.
- ۴- جبین را در سجده بر خاک گذاشتن.
- ۵- در نماز بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن.

#### سند زیارت اربعین

شیخ طوسی در تهذیب و مصباح، زیارت مخصوصه روز اربعین را از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

### بررسی زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

#### فراز اول:

#### سلام های توصیفی

- السلام علی ولیّ الله و حبیبه؛ سلام بروی و حبیب - دوست- خدا.
  - السلام علی خلیل الله و نجیبه؛ سلام و درود بر خلیل و گزیده خدا.
  - السلام علی صَفِيّ الله و ابن صَفِيّه؛ درود بر برگزیده خدا و پسر انتخاب شده خدا.
  - السلام علی الحُسين المظلوم الشَهِيد؛ درود بر حسین مظلوم شهید.
  - السلام علی اسیر الکربات و قَتیل العَبَرات؛ سلام بر کسی که اسیر و گرفتار بلایا و اندوه ها شد و کشته برای اشک ها.
- در سلام های اولیه زیارت، امام صادق علیه السلام به نوعی اصالت خانوادگی امام حسین علیه السلام را بیان می نماید که ایشان فرزند رسول خدا که حبیب خداست، می باشد. برخی از انبیاء در نگاه الهی با نام خاصی توصیف و معروف شده اند. حضرت ابراهیم (علیه السلام) با عنوان خلیل الله، حضرت موسی (علیه السلام) با عنوان کلیم الله، حضرت عیسی (علیه السلام) با عنوان کلمة الله، حضرت نوح (علیه السلام) با عنوان نبی الله - که البته ایشان اولین پیامبری بودند

که مقام نبوت را به دوش کشیدند- حضرت آدم (علیه السلام) با عنوان صفوة الله و حضرت محمد (صلی الله علیه واله) با عنوان حبیب الله مطرح هستند.

برای سلام معانی مختلف ذکر کرده اند، که به اختصار نام می بریم.

۱- سلام، یکی از نام های خدای عزوجل است و مراد آن است که خداوند حافظ تو باشد.

۲- سلام به معنای تسلیم.

۳- سلام به معنای سلامتی.

حال که معنای سلام مشخص شد که به معنای آسایش، امنیت و سلامتی است، به تفسیر سلام بر امام حسین علیه السلام می پردازیم. سلام بر امام به این صورت است که شخص زائر در حالی که حضور امام ایستاده یا از دور ایشان را در ذهن حاضر نموده و به حضرت سلام می نماید و در دل می گذراند که هیچ آزاری و آسیبی از ناحیه من به آن امام، نه در آن وقت و نه پس از آن نخواهد رسید؛ زیرا هدف تمامی آن بزرگواران جز هدایت و اصلاح مردم و اعلاهی کلمه توحید و شیوع طاعت خداوند در مردم نیست، لذا آنها از معصیت خدا و تخلف از اوامرو نواهی او، از اخلاق ناپسند مردم از قبیل خود بزرگ بینی، حرص، ریا، بخل، حُب قدرت، غیبت، آزار رساندن و ... اذیت خواهند شد.

زائر باید حال خود را به گونه ای قرار دهد که مورد رضایت امام باشد، نه مایه اذیت آن حضرت. آن وقت است که در گفتن کلام سلام، صادق است. لذا باید دل را با آب توبه شستشو داده، و اشک پشیمانی از دیده فرو ریزد، و پس از آن به امام عرض سلام داشته باشد.

زائر با عرض سلام، خود را به آن حضرت نزدیک نموده و با تکرار واژه ادب، روح و روان خود را به لحاظ نزدیکی به ایشان از پستی ها و رذایل و آلودگی ها پاک می نماید و سلام را چنان با ادب و خلوص و اشک و آه بردل القا می نماید، تا سلامتی کامل حاصل گردد و موجب جواب سلام آن بزرگوار گردد.

درواقع زائر با عرض سلام بر آن حضرت و یارانش چهره اجتماعی - سیاسی خود را نمایان ساخته و اعلان می دارد که نه تنها با بت درون مبارزه می کند، بلکه همانند خود آن بزرگوار، با طاغوتیان، ظالمان، مستبدان و خائنین به مردم، مبارزه کرده و با شعار سلام، خود را در زمره یاران آن حضرت قرار می دهد.

## فراز دوم:

شهادت و گواهی امام صادق علیه السلام به عظمت و برتری امام حسین علیه السلام

- اللهم اني أشهدُ أنه وليُّك و ابنُ وليِّك؛ بار خدایا گواهی می دهم که (امام حسین) ولی تو و فرزند ولی تو است .

- وَصَفِيكَ و ابنُ صَفِيكَ، الفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ ؛ و نیز گواهی می دهم که او برگزیده ی تو و پسر برگزیده ی تو است که به کرم تو رستگار است.

- أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ ؛ خدایا گواهی می دهم که او را به وسیله شهادت گرامی داشتی .

- وَ حَبِوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ ؛ و به او سعادت عطا فرمودی.

- وَ اجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ ؛ و او را از اصل و نسب ، پاکي ولادت بخشیدی.

- وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنْ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنْ الْقَادَةِ ؛ او را آقایی از آقایان و رهبری از رهبران قرار دادی.

- وَ ذَانِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْانْبِيَاءِ ؛ و او را مدافعی از مدافعان قرار داده و ارث تمام انبیاء را به ایشان عطا فرمودی.

- وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةَ عَلِيٍّ عَلَي خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِيَاءِ ؛ و شهادت می دهم که او را حجت بر خلق خود از اوصیاء قرار دادی.

- فَأَعَدَّرَنِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النُّصْحَ ؛ پس امام حسین علیه السلام نیز در دعوت ، عذری باقی نگذاشت و خیر خواهی نمود.

در این دنیا هر کس توسط چیزی و یا عملی به عزت می رسد. امام صادق علیه السلام در این فراز از زیارت، امام حسین علیه السلام را توصیف می نماید که خدایا او ولی تو و فرزند ولی توست، او برگزیده و پسر برگزیده توست. یعنی با تمام عزت و

احترامی که برای ایشان قائل بودی ولی به وسیله شهادت به او عزت بخشیدی. تو خواستی که امام به وسیله شهادت، آن هم چنین شهادتی به عزت برسد. خدا به وسیله شهادت، امام حسین (علیه السلام) را به سعادت رسانید. طوری که یزید و وزرایش به دنبال دنیا و کسب مقامات دنیوی بودند و به نوعی به دنبال کسب اعتبار بودند ولی امام حسین (علیه السلام) که هیچ چشم داشتی به دنیا نداشت و حکومت را هم صرفاً به عنوان ابزاری برای برافراشتن اسلام و اقامه عدالت می دانست. امام حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان در فجیع ترین وقایع و جنایات ها، قرار گرفته بودند. اگر چه مدت زمان جنگ کم بوده؛ اما در این مدت کم، انواع و اقسام جنایات ها و پستی ها دیده می شود که البته بزرگترین چهره این جنایات اینست که بر امام معصوم وارد شده است. شهید مطهری (ره) می فرماید: " یک وقت حساب کردم و ظاهراً در حدود بیست و یک نوع پستی و لثامت در این جنایت دیدم و خیال نمی کنم در دنیا چنین جنایتی پیدا بشود، که تا این اندازه تنوع داشته باشد. (۲) و به امام با گذراندن چنین وضعیتی کرامت و شرافت داده شد.

#### فراز سوم:

#### اهداف قیام امام حسین علیه السلام

- وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ ؛ - خدایا- جانش را در راه تو بخشید تا بندگان را از نادانی، سرگردانی و گمراهی نجات دهد.

امام حسین علیه السلام قبل از خروج از مکه خطاب به برادرش محمد حنفیه وصیت نامه ای نوشتند که ضمن آن اهداف خود را از قیام اعلام می دارند. در آنجا می فرماید: من برای اصلاح دین جدّم رسول الله و امر به معروف و نهي از منکر قیام می نمایم.

با مطالعه تاریخ زمان امام حسین علیه السلام در می یابیم که در دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تغییرات بسیاری ایجاد شده و بدعت های فراوانی نهاده شده بود. امام برای این که حقیقت دین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حفظ شود و دینی سالم به نسل های بعدی رسانده شود هیچ راهی نداشت جز این که قیام نماید و بدین وسیله اعلام کند که حقیقت دین اسلام به یغما برده شده و دین کنونی، دینی است تحریف شده که خلفا به واسطه آن راهی برای حکومت نامشروع خود یافته اند. پس امام قیام می کند تا پیام دین واقعی را به گوش افرادی که خواهان شنیدن حقیقت هستند برساند.

#### فراز چهارم:

#### قاتلان امام حسین علیه السلام

- وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا؛ کسانی بر علیه او (امام) همدست شدند که دنیا آنها را فریب داد.

- وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنِيِّ وَ شَرِيَ اخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ ؛ و بهره هستی خود را به بهای ناچیز و پستی فروختند و آخرت خود را به بهای کمی دادند.

- وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ؛ گردن فرازی کرده و خود را در پرتگاه هوس انداختند.

- وَ أَسَخَطَكَ وَ أَسَخَطَ نَبِيكَ ؛ و تو و پیغمبر تو را به خشم آوردند .

- وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النِّفَاقِ ؛ و آن (دنیا پرستان) پیروان بنده هایت شدند که خلاف انگیز و نفاق انگیز بودند.

- وَ حَمَلَةَ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ؛ و بارگناه به دوش کشیده و به آتش سزاوار شدند.

- فَجَاهِدُهُمْ فَيْكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا؛ پس (امام) جهاد کرد با آنها در حالی که شکیبیا بود.

- حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ؛ تا این که در (راه) طاعت تو خونش ریخته شد.

- وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ ؛ هتک حرمت به حرم امام مباح شد.

امام صادق علیه السلام در این فراز از زیارت به توصیف قاتلان می پردازد که ما در این اینجا به عرض از آنان را معرفی می نمایم.

عمر بن سعد بن ابی وقاص یکی از افرادی از که در جریان حادثه کربلا نقش بسزایی را ایفا می نماید. سعد پدر عمر از

مسلمانانی است که در سالهای نخست بعثت رسول اکرم صلوات الله علیه مسلمان شد و در راه دین، شکنجه و محرومیت دیده بود که فتح ایران و بنای کوفه به دست او انجام شد؛ ولی مانند بسیاری از یاران رسول خدا (صلی الله علیه واله) علاقه به دنیا بر او غالب گشته و در ماجرای خلافت حضرت علی علیه السلام با آن حضرت بیعت نکرد و در سال ۵۵ یا ۵۸ از دنیا برفت. عمر بن سعد؛ اگرچه به خاطر شخصیت معروف پدرش نام درخشانی داشت؛ اما مرد دنیاپرست و بُزدلی بود که بر طبق روایات رسیده، رسول اکرم (صلی الله علیه واله) و امیرالمؤمنین علیه السلام او را مذمت کردند، به همین جهت پدرش هم از او راضی نبود، به طوری که او را از ارث محروم نمود. (۳)

نقش عمر بن سعد در کربلا، بسیار اساسی بود؛ زیرا او فرمانده کل و جنگ در کربلا، از طرف ابن زیاد بود که پیش از ورود امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا، مأموریت یافته بود که با چهار هزار نفر از مردم کوفه برای بازپس گرفتن یکی از شهرهای استان همدان برود و فرمان حکومت "ری" را نیز به نام او صادر کرده بود.

"شمر بن ذی الجوشن" یکی دیگر از سران و فرماندهان در حادثه کربلا بود. وی در زمان حضرت علی علیه السلام جزو شیعیان و طرفداران حضرت به شمار می آمد، او در جنگ صفین از افراد تحت فرمان امیرمؤمنان بود و در جنگ با معاویه شرکت داشت و شجاعت زیادی از خود نشان داد. (۴)

وی علی رغم این که در زمره یاران حضرت علی علیه السلام بود؛ ولی همانند بسیاری از دوستان حضرت، عاقبت به خیر نشد؛ چرا که بر اثر گرفتاری نفسانی، در ردیف دشمنان حضرت و طرفداران بنی امیه قرار گرفت. اینها نمونه هایی از قاتلان امام حسین علیه السلام بودند که به وسیله حب دنیا و مقام وسوسه شده و با فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جنگیدند و امام را به شهادت رساندند.

دلایلی نقلی و تاریخی متذکر این نکته است که عامل دنیاپرستی و منفعت طلبی در حادثه کربلا نقش اساسی داشته است. فرزندق شاعر می گوید: من در سال شصت هجری که با مادرم از کوفه عازم مکه و انجام مراسم حج بودم با امام حسین علیه السلام ملاقات نمودم، حضرت از من سؤال کرد: از کوفه چه خبر داری؟ گفتم: قلوب الناس معک و سیوفهم مع بنی امیه و...: مردم دلهاشان با توست، ولی شمشیرهاشان با بنی امیه است و... (۵) سپس حضرت امام حسین علیه السلام در طی بیان مطالبی فرمودند: "انّ الناس عبید الدنیا و الدین لعقّ علی السنتم یحوظونه مادرت معائشهم فاذا محصوا بالبلاء قلّ الدیانون؛ به راستی که مردم، بندگان دنیا هستند و دین و دینداری بر سر زبان و لقلقه آنهاست و دین را فقط زمانی می خواهند که وسیله ای برای تأمین دنیای آنان شود؛ اما وقتی که به گرفتاری و بلا مورد آزمایش قرار می گیرند، دینداران حقیقی، بسیار اندک هستند". (۶)

همیشه در طول تاریخ انسان، دنیا پرستی و قدرت خواهی، عامل انحراف بشر بوده و هست. بعضی از قاتلین حسین علیه السلام نیز گرفتار دنیا و خواسته های آن شدند. آنچه را به طور قطع می توان گفت این است که عامل دنیاخواهی در رؤسا و فرماندهان لشکرها همانند عمر سعد و شمر و عاملان اصلی جنگ (یزید و ابن زیاد) نقش اساسی داشته است؛ زیرا آنها به طور یقین به مقام حسین علیه السلام و حقانیت او آگاهی داشتند؛ ولیکن به خاطر منافع دنیوی و رسیدن به قدرت، راضی به قتل آن حضرت شدند، چنانکه عامر بن مجمع بعیدی به امام گفت: "اما رؤساؤهم فقد اعظمت رشوتهم و ملئت غرائزهم؛ اما رؤسای آنها که رشوه فراوان به آنان داده شده و خورجین هاشان پر شده است، لذا همه یکدست علیه تواند." علاوه بر رؤسا تعدادی دیگر در لشکر دشمن بودند، علی رغم آگاهی به حقانیت و مظلومیت حسین علیه السلام، به خاطر از دست ندادن دنیا و زن و بچه در قتل حسین شرکت نمودند؛ البته آنها کسانی بودند که واقعاً نماز می خواندند و شهادتین می گفتند؛ ولیکن به خاطر شکم و ریاست یا ترس از دادن جان و دنیای خود، برخلاف اعتقاد خود با حسین علیه السلام جنگیدند، به همین جهت جنگ اصحاب ابن زیاد در راه عقیده و ایمان نبوده؛ بلکه جنگ با عقیده و خود بوده است؛ یعنی آنها کسانی بودند که به خاطر شکم با اعتقادات خود جنگیدند، به همین دلیل آنها از کفّاری که در راه عقیده خود می جنگیدند، پست ترند، عقاد در همین باره می گوید: "در پستی یاوران یزید همین بس که در کربلا به جهت اعتقادی به کرامت و حق آن حضرت داشتند از مقابله رو در رو با وی می هراسیدند؛ ولی پس از شهادت، لباس او و اهل بیتش را در میان اموال غارت شده بیرون می

آوردند و اینان اگر به دین او و رسالت جدش هم کافر بودند این عمل آنها در مذهب مردانگی پست ترین کار بود". (۷)

البته خیانت و فاجعه به این بزرگی را نمی توان با عامل دنیا طلبی فرموله کرد؛ زیرا گزینه منفعت خواهی، کم و بیش عامل انحراف بیشتر انسان ها می شود؛ ولیکن در بعضی از اعمال همانند قتل و کشتار باید خبث باطن و اسارت کامل دنیوی، غرق شدن در شهوات و از خود بیگانگی کامل را عامل داشت، چنانکه عقاد می گوید: "آنان مسخ شدگان زشت روی بودند که سینه هایشان از کینه فرزندان آدم آکنده بود، به ویژه از کسانی که اخلاق استوار و آثار نیکو داشته اند و به همین دلیل تمامی کینه های خود را از روی دشمنی با وی بر سر آنان ریختند، هر چند که از این کار پاداش و غنیمتی نصیبشان نشد." (۸)

پس در کربلا، دنیا چشم و دل یزید، ابن زیاد، شمر، عمر سعد و امثال آنها را کور کرده بود، به طوری که با فجیع ترین وضع ممکن، فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله و نور چشم فاطمه (س) را به شهادت رساندند که لعنت خداوند بر تمام آنها باد.

#### فراز پنجم:

#### عبرت آموزی از سالار شهیدان

- اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِيْنُ اللهُ وَاِبْنُ اَمِيْنِه: گواهی می دهم که تو امانت دار خدا و پسر امانت دار او هستی.

- عِشْتَ سَعِيْدًا وَّ مَضِيْتِ حَمِيْدًا وَّمَتَّ فَقِيْدًا مَظْلُوْمًا شَهِيدًا: گواهی می دهم که سعادت مند زندگی کردی و ستوده در گذشتی، و هنگامی که رحلت کردی از وطن خود دور بودی و در حالی که ستم دیده بودی، به شهادت رسیدی.

- و اَشْهَدُ اَنَّ اللهُ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ ؛ و گواهم که خدا وفا کند بدان چه تو را وعده داد.

- و مُهْلِكٌ مِّنْ خَدْلِكَ وَّمُعَذِّبٌ مِّنْ قَتْلِكَ؛ و (خدا) هلاک کند هر آن کس که تو را رها کرده و ترک گفته و عذاب کند کسی که تو را کشت.

- و اَشْهَدُ اَنَّكَ وَفِيْتِ بِعَهْدِ اللهِ؛ و گواهی می دهم که به عهد خدا وفا کردی .

- و جَاهَدْتَ فِي سَبِيْلِهِ حَتِي اتِيكَ الْيَقِيْنُ ؛ و در راه (خدا)، تا رسیدن لحظه مرگ جهاد کردی .

آن حضرت به دلیل موقعیت خاصی که برایش پیش آمده، درس های زیادی به طور عملی به تمام انسان های تاریخ و جوامع بشری داده است که به اختصار بیان می کنیم:

#### الف - فضایل شخصی و فردی:

- ۱- توحید و عرفان.
  - ۲- عبادت و بندگی.
  - ۳- ترک از خود بیگانگی در برابر دنیا و خواسته های آن.
  - ۴- تسلیم در برابر رضای خداوند.
  - ۵- آگاهی و شناخت به تمام ارزش های الهی و انسانی.
  - ۶- شجاعت و مروّت.
  - ۷- استقامت و پایداری در برابر ناملایمات و سختی ها.
  - ۸- عزّت نفس و مناعت طبع.
  - ۹- عفو و بخشش.
  - ۱۰- نترسیدن از مرگ و شهادت و استقبال نمودن از آن.
- و دیگر ویژگی های فردی که در کتب دیگر مطرح است

#### ب - اجتماعی و سیاسی:

- ۱- ایثار و از خودگذشتگی.
- ۲- وفاداری.

۳- برابري و نفي تبعيضات ناروا.

۴- عزت سياسي.

۵- امر به معروف و نهي از منکر.

۶- نبودن پيروزي حقيقي در اکثريت.

۷- قرباني کردن مصلحت در پاي حقيقت؛ يعني ترک سياست هاي محافظه کارانه، براي اثبات حقيقت.

۸- مبارزه با زور و استبداد، و بيعت نکردن با مستبدان و مستکبران.

۹- جدا نبودن سياست حقيقي از ديانت و يکي بودن حماسه و عرفان.

اين درس ها و پيام ها ، قطره اي است از دريائي بي کران از عالي ترين نمونه انسانيت. حال چگونه مي شود، کسي خود را هماهنگ آن امام کرده باشد. وجيه و آبرومند نزد خداوند نبوده و عاقبت به خيبر نشده باشد. و چگونه ممکن است، انساني در دنيا با آن حضرت، همگون و هم عقیده و هم جهت (فردی، اجتماعي، سياسي) باشد و در آخرت از مقام قرب، رحمت و مغفرت به دور باشد، اصولاً تضمين آخرت و سعادت در آنجا بستگي، به سعادت در دنيا دارد، پس حال که دانستيم در همراهي با حسين عليه السلام چه ارزشي نهفته است، جاي آن دارد که با تمام خضوع و خشوع از خدای متعال خواستار وجاهت و مقبوليت نزد خودش به واسطه همراهي با حسين عليه السلام باشيم.

### فراز ششم:

تجدید بیعت با سرور شهیدان حسین بن علي علیهما السلام

- اللهم اني اُشهِدُكَ اَنِّي وَاِلهُ : خدایا! من تو را گواه می گیرم که هر آن که حسین(علیه السلام) را دوست دارد، دوست می دارم .

- و عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ ؛ و دشمنم با هر کسي که دشمن اوست.

- بَابِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا بِنَّ رَسُوْلِ اللهِ ؛ پدر و مادرم به فدایت ای فرزند پیغمبر اکرم.

این اذکار یعنی پیروي ما از آن بزرگواران در حدی است که در مقابل دوستان آنان، حقیقت "صلح" و در برابر دشمنان آنان حقیقت "جنگ و محاربه" هستیم و در حقیقت این مطلب است ، که در تمام شدايد و سختي ها و گرفتاري ها و همچنین در تمام شادي ها و آرامش ها با شما ، بلکه عین شما هستیم.

مگر ممکن است پیرو حقيقي، در صلح و آرامش با اهل بیت بوده و در جنگ و محاربه، بی تفاوت و یا رو در روی آنها باشد و مگر ممکن است شیعه راستین، در جنگ با آن بزرگواران بوده و در صلح به مخالفت با آنان برخیزد، هرگز این چنین نیست؛ زیرا معنای حقيقي شیعه، پیروي در تمام چهره ها است و پیرو واقعي، روحش با امام خود، يکي می شود، لذا صلح امام

صلح او، جنگ امام، جنگ او می شود ، چنانکه پیغمبر صلي الله عليه و آله پس از آن که خامس آل عبا را تحت کساء جمع نمود ، فرمود: "اللَّهُمَّ اِنَّ هَؤُلَاءِ اهل بيْتي و خاصَّتي و حَامي ، لحمهم لحمي و دمهم دمي، يؤلمني ما يؤلمهم و يُحرجني ما يُحرجهم ، انا حربٌ لمن حاربهم و سلمٌ لمن سالمهم و عدوٌّ لمن عاداهم و محبٌ لمن احبهم، اَنهم مني و انا منهم...؛ پس آن زمانی

که تمامی آنان (پنج تن) گرد آمدند و تعداد کامل شد، رسول خدا طرفین عبا را گرفتند و با دست راست خود به سوي آسمان اشاره فرمودند: پروردگارا اینان اهل بیت و خاصان و یاوران منند، گوشت آنان گوشت من و خون آنان خون من است، آنچه که ایشان را بیازارد مرا آزرده است و آنچه که آنان را به زحمت افکند، مرا به زحمت افکنده، هر که با آن

بجنگد، با من جنگیده و هر که با آنان در سلم و صلح باشد با من در سلم و صلح است و هر که با آنان دشمني ورزد با من دشمني ورزیده و هر که آنان را دوست بدارد مرا دوست داشته است. من از آنانم و آنان از من. پس پروردگارا صلوات و برکات و رحمت و آمرزش خود را بر من و آنان قرار بده و پليدي را از آنان زدوده، و پاکشان گردان...". (۹)

يعني نتیجه را بيان می داریم، که نزدیکی و اتصال من در حدی است که گویی حقیقت سازش شده ام با کسانی که با شما در صلحند و حقیقت جنگ و دشمني شده ام با کسانی که با شما در جنگند.

بَابِي اَنْتَ وَاُمِّي : پدر و مادرم فدای تو باد.

باء، در "بابی" برای تقدیه (فدا و قربانی شدن) است. و ای، به معنای پدر من و امی، مادر من است. این جمله "بابی انت و امی" در اصل برای دعای تقدیه آمده است، معنای آن چنین است: اگر بلایی یا آفتی بر تو وارد شود، خداوند، جان پدر و مادر مرا فدیة و نگهدار تو کند و در حقیقت این دعا برای احترام به جلالت و بزرگی طرف مقابل است، همانند الفاظی که در زمان ما برای احترام بیان می شود، مثل فدای تو شوم، قربانت گردم، دورت بگردم و ... در آن زمان نیز این لفظ را برای احترام و ادب به کار می بردند و الا چه بسا پدر و مادر ما زنده نباشند.

از طرفی این لفظ در مورد مخاطب زنده استعمال می گردد، در حالی که ظاهراً "امام" از دنیا رفته است؛ ولی به نظر ما اولاً امام حداقل زنده به حیات ابدی، همانند اموات است، ثانیاً، در بسیار از موارد فدا شوند مرده است، چنانکه گاهی ما در مورد فلان کس که از دنیا رفته می گوئیم، فدایش گردم، پس استعمال این لفظ در این مقام اشکالی نداشته و معنای آن چنین است که: تو چنان هستی که اگر پدر و مادرم زنده بودند فدای تو می کردم.

از طرف دیگر، به کار بردن این لفظ در مورد امام می تواند، معنای بالاتری داشته باشد و آن این که ما نهایت اتصال وحدت خود را با حضرت بیان می داریم تا حدی که کشته شدن آن حضرت، مردن ما و پدر و مادر ما است. یعنی وقتی آن بزرگوار کشته شد: من و پدر و مادرم و هر کس که با من است، هزاران مرتبه کشته و زنده شدیم، چنانکه خود ابی عبدالله فرمود: الیوم مات جدی رسول الله، امروز، جدم رسول خدا کشته شده است و این در حالی است که در عالم ظاهر پیغمبر صلی الله علیه و آله مدتها قبل، از دنیا رفته است؛ ولیکن همه معانی بیانگر این نکته است، که سلسله خداپرستان در رضا و غضب، مردن و زندگی، خوشحالی و ناراحتی، صلح و جنگ و ... یکی هستند.

#### فراز هفتم:

##### اصالت خاندان امام حسین علیه السلام

- اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نَوْرًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاِرْحَامِ الْمَطَهَّرَةِ ؛ گواهی می دهم که تو نوری بودی در اصلا بپدران بزرگوارت و ارحام مادران پاک.

- لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ ، بَانْجَاسِهَا ؛ دوران جاهلیت تو را به پلیدی های خود، آلوده نکرد.

- و لَمْ تَلِيسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا ؛ (دوران جاهلیت) جامه های درهم و برهم خود را بر تن تو نکرد.

- و اَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ اَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ ؛ و گواهم که تو از ستون های دین، ارکان مسلمین و دژ محکم مؤمنین هستی.

- و اَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبِرُّ التَّقِيَّ . الرَّضِيِّ الرَّزْكَيَّ الْهَادِي الْمَهْدِي ؛ و شهادت می دهم که تو پیشوایی نیکو رفتار، پرهیزکار، پسندیده و پاک، هدایت گر و هدایت شده هستی.

#### فراز هشتم:

##### توصیف فرزندان امام حسین علیه السلام

- و اَشْهَدُ اَنَّ الْاِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةَ التَّقْوَى ؛ و گواهی می دهم که امامانی که از اولاد و ذریه تو می باشند، کلمه تقوا هستند.

- و اَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوَثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا ؛ و نشانه های هدایت و حلقه محکم ترو حجت، بر همه اهل دنیا هستند.

#### فراز نهم:

##### اعتقادات شیعه

- و اَشْهَدُ اَنَّيْ بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بَايَا بِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَايِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي ؛ شهادت می دهم که من به شما و رجعت شما یقین دارم و در انجام کارهایم بر طبق دستورات دین عمل می کنم .

- وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِمٌ ؛ و قلبم با قلب شما آمیخته است .

- و أمري لامرِكُم مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُم مُعَدَّةٌ ، حتي ياذنَ اللهُ لَكُم ؛ و در هر کارِ خود پيرو دستورات شما هستم و آماده ياري و نصرت شما مي باشم. تا اين كه خدا به شما اجازه ظهور دهد.
- فمعكم لا مع عدوكم؛ و من با شما هستم نه با دشمنان شما.

#### فراز دهم:

#### صلوات بر اهل بيت عليهم السلام

- صلواتُ اللهِ عَلَيْكُم و علي ارواحِكُم و اجسادِكُم؛ صلوات خدا بر شما، بر ارواح مقدستان، بر پيكرپاك شما.
- وَ شَاهِدِكُم و غَائِبِكُم و ظَاهِرِكُم و باطنِكُم؛ و حاضر شما و غائب شما و آشكار شما و نهانتان .
- امين رَبِّ العالمين؛ به اجابت رسان، اي پروردگار جهانيان .

پي نوشت ها:

- ۱- مصباح المتبجد، شيخ طوسي، ص ۷۳۰.
- ۲- حماسه حسيني، ج ۳، ص ۱۲۱.
- ۳- سيد هاشم محلاتي، زندگاني امام حسين(عليه السلام)، ص ۳۷۸.
- ۴- تاريخ طبري، ج ۶، ص ۱۶.
- ۵- مقتل مكرم، ص ۲۰۶.
- ۶- كشف الغمه، ج ۲، ص ۳۰۸.
- ۷- حماسه حسيني، ج ۳، ص ۱۴۵.
- ۸- همان، ص ۴۹.
- ۹- فاطمه زهرا(س) سيد محمدكاظم قزويني، ص ۹۲، به نقل از عوالم الكبير.



## سوالات مسابقه زیارت اربعین

۱- به فرموده امام حسن عسگری (ع) کدام یک از مواد زیر از نشانه های مومن نمی باشد؟

۱- اقامه پنجاه و یک رکعت نماز فریضه نافله در شبانه روز

۲- جبین را در سجده بر خاک نهادن-انگشتر به دست راست کردن

۳- زیارت اربعین و گفتن بسم ا... در سجده

۴- هر سه مورد

۲- کدامیک از موارد ذیل جزء تفاسیر سلام بر امام حسین (ع) نمی باشد؟

۱- مبارزه با بت درون و طاغوتیان و ظالمان، مستبدان و خائنین به مردم

۲- نزدیکی به آن حضرت و پاک کردن روح از پستی ها، رذایل و آلودگی ها

۳- عدم توبه و پشیمانی از گناهان قبل از عرض سلام

۴- دوری از آزار و اذیت به آن امام

۳- طبق فرموده امام صادق (ع) در زیارت اربعین، خداوند به وسیله چه چیزی به امام حسین (ع) عزت بخشید؟

۱- شهادت                      ۲- ایثار                      ۳- مبارزه با ظلم                      ۴- امر به معروف

۴- امام حسین (ع) در وصیت به برادرش محمد حنفیه اهداف قیام خود را چه چیزی اعلام کردند؟

۱- دعوت مردم کوفه                      ۲- روشن شدن حقیقت

۳- اصلاح دین جدم رسول ا... و امر به معروف و نهی از منکر                      ۴- شناخته شدن خلفا

۵- اصلی ترین عاملی که باعث شد قاتلان امام حسین (ع) در کربلا، ایشان را با فجیع ترین وضع ممکن به شهادت برسانند چه بود؟

انحراف                      ۲- دنیاپرستی                      ۳- غریزه                      ۴- کینه

۶- کدامیک از موارد زیر جزء درس های اجتماعی و سیاسی واقعه کربلا نیست؟

۱- وفاداری                      ۲- استقامت و پایداری در برابر ناملايمات و سختی ها

۳- امر به معروف و نهی از منکر                      ۴- عزت سیاسی

۷- تضمین آخرت و سعادت در آنجا به چه چیزی بستگی دارد؟

۱- عزت نفس و مناعت طبع                      ۲- عفو و بخشش                      ۳- سعادت در دنیا                      ۴- ایثار و از خود گذشتگی

۸- شمرین ذی الجوشن که بود؟

۱- یکی از سران حادثه کربلا

۲- جزء شیعیان و طرفداران حضرت علی (ع)

۳- از افراد شجاع تحت فرمان حضرت علی (ع) در جنگ صفین

۴- همه موارد

۹- در سلام های اولیه زیارت اربعین، امام صادق (ع) چه چیزی را بیان می کند؟

۱- مظلومیت امام حسین (ع)      ۲- اصالت خانوادگی امام حسین (ع)      ۳- گزینه ۱ و ۲      ۴- هیچ کدام

۱۰- زیارت مخصوصه اربعین از چه کسی نقل شده است؟

۱- امام حسن عسگری (ع)      ۲- جابر بن عبدالله انصاری      ۳- امام صادق (ع)      ۴- شیخ مفید

۱۱- هدف همه امامان معصوم (ع) چه بوده است؟

۱- برقراری عدالت      ۲- نجات مظلومان

۳- هدایت و اصلاح مردم و اعتلای کلمه توحید و شیوع طاعت خداوند

۴- نهی از منکر

۱۲- کدام یک از موارد زیر از معانی سلام نمی باشد؟

۱- سلامتی      ۲- یکی از نامهای خداوند      ۳- تسلیم      ۴- اسلام